

شیعه و اهل بیت پیامبر ﷺ

دکتر علی اکبر بابایی

استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

چکیده

محبت و احترام به اهل بیت پیامبر ﷺ و بسیاری از فضایل آنان، مورد اتفاق شیعه و اهل تسنن است، ولی در معنا و مصادیق اهل بیت پیامبر ﷺ اختلاف است. بیشتر اهل تسنن مطلق خویشان و همسران پیامبر ﷺ را اهل بیت آن حضرت می دانند، ولی شیعه معتقد است: منظور از اهل بیت پیامبر ﷺ در برخی آیات و بسیاری از روایات، سیزده نفر از خویشان برجسته آن حضرت است و شامل همسران و سایر خویشان آن حضرت نمی شود. در این مقاله با تحلیل ادبی و لغت شناسانه، امکان ادبی این معنا برای کلمه اهل بیت تبیین و دیدگاه شیعه با استناد به روایات اثبات می شود.

کلیدواژه ها: شیعه، اهل بیت، حدیث کسا، پیامبر ﷺ.

* تاریخ وصول: ۸۶/۴/۳۰؛ تاریخ تصویب نهایی: ۸۶/۸/۱۴.

مقدمه

در اینکه آیات (احزاب: ۳۳/ شوری: ۲۳/ آل عمران: ۶۱) و روایات فراوانی (برای نمونه رک به: صفار، ۱۴۱۴، ص ۴۱۲-۴۱۴ / حاکم نیشابوری، [بی تا]، ج ۲، ص ۳۴۳ / نیشابوری، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۲۶) در فضیلت اهل بیت پیامبر ﷺ وجود دارد و بر لزوم محبت و احترام به آنان دلالت دارد، بین شیعه و اهل تسنن اختلافی نیست؛ ولی در دو جهت اختلاف است: یکی در معنا و مفاد آن آیات و روایات است که شیعه، فضایل و کمالات بیشتری مانند عصمت، علم فوق العاده و منصب امامت را برای اهل بیت از آنها فهمیده و اهل تسنن آن را نپذیرفته‌اند؛ و اختلاف دیگر در معنا و مصادیق اهل بیت پیامبر ﷺ است که در آیات و روایات با عنوان «اهل البیت» و «اهل بیتی» از آنان یاد شده است. گروهی از اهل تسنن به استناد معنای لغوی اهل بیت و برخی کاربردهای قرآنی آن، همسران و همه خویشان آن حضرت را اهل بیت آن حضرت می‌دانند (جرجانی، ۱۳۲۵، ق، ج ۸، ص ۳۵۵ / ابن تیمیه، ۱۴۰۶، ق، ج ۴، ص ۲۳ / هیثمی، ۱۳۸۵، ق، ص ۱۴۴ / میدی، ۱۳۷۱، ش، ج ۸، ص ۴۶)؛ ولی شیعه با اینکه کاربرد اهل بیت به معنای لغوی را در مورد همسران و مطلق خویشان انکار نمی‌کند، به استناد روایات معتقد است: از کلمه «اهل البیت» در آیه «تطهیر» خصوص پیامبر، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام و یا آن پنج نفر به علاوه نه امام معصوم از نسل امام حسین علیه السلام و از «اهل بیتی» در بسیاری از روایات پیامبر صلی الله علیه و آله مانند حدیث ثقلین، حدیث سفینه و... خصوص دوازده یا سیزده نفر از خویشان آن حضرت - که از جهت علمی و عملی و صفات و کمالات انسانی برتری داشته‌اند و نزدیک‌ترین افراد به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده‌اند - مراد است و شامل همسران و مطلق خویشان آن حضرت نمی‌شود (طبرسی نوری، [بی تا]، ج ۲، صص ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۸ و ۳۵۳ / طبرسی، ۱۴۰۶، ق، ج ۸، ص ۵۵۹-۵۶۰ / مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ج ۳۵، ص ۲۲۵).

این مقاله در مورد اختلاف دوم بحث می‌کند و در صدد است معنای اهل بیت و

منظور از آن در آیه تطهیر و بسیاری از روایات پيامبر ﷺ را روشن و دیدگاه حق را در مورد این موضوع تبیین کند؛ برای این منظور در سه محور بحث می‌شود: ۱. تحلیل ادبی و لغت‌شناسانه؛ ۲. روایات معرف اهل‌بیت؛ ۳. اثبات معنای اصطلاحی اهل‌بیت. از طریق تحلیل ادبی و لغت‌شناسانه امکان اصطلاح شدن واژه «اهل‌بیت» در معنایی خاص که مصادیق آن به افراد ویژه‌ای از خویشان پيامبر ﷺ منحصر باشد، تبیین می‌شود و از طریق روایات، افراد و مصادیق اهل‌بیت پيامبر ﷺ معرفی می‌شوند؛ همچنین در محور سوم با استناد به نکاتی از روایات اثبات می‌شود که از اهل‌بیت در برخی آیات و بسیاری از روایات، معنای اصطلاحی اراده شده است. درباره اهل‌بیت و معنا و مصادیق و صفات و ویژگی آنها ضمن کتاب‌ها یا در کتاب‌ها و مقالات مستقل فراوان بحث کرده‌اند. برخی روایات شيعه و سنی، پیرامون نزول آیه تطهیر در شأن اهل‌البیت در دو باب جداگانه آمده است (بحرانی، ۱۴۲۲ ق، ج ۳، ص ۱۷۳-۲۱۱)؛ برخی نیز به جمع‌آوری روایات در معنای اهل‌البیت و نقل آنها در دسته‌های مختلف اکتفا کرده‌اند (ر.ک به: ری شهری، ۱۳۷۹ ش، ص ۲۷-۹۰)؛ همچنین برخی به آرای مختلف در معنای اهل‌بیت اشاره کرده‌اند و بعضی را رد کرده‌اند و بعضی را پذیرفته‌اند (بیومی مهران، ۱۹۹۵ م، ص ۱۲-۲۴). برخی با استناد به آیات و روایات، اهل‌بیت الرسول را معرفی کرده‌اند و به اشکالات ابن تیمیه پاسخ داده‌اند (صائب، ۱۴۱۷ ق، ص ۲۸۷-۳۱۶)؛ برخی نیز با عنوان «اهل‌البیت فی الکتاب المقدس» به نقل بشارت‌های عهد قدیم و جدید (تورات و انجیل) درباره اهل‌بیت پرداخته‌اند (واسطی، ۱۹۹۷ م، ص ۱۰۵-۱۳۷)؛ برخی هم با اشاره به اقوال پیرامون مصادیق اهل‌البیت در آیه تطهیر با استناد به روایات، مصادیق آن را بیان و بر نفی شمول آن نسبت به همسران پيامبر ﷺ تأکید کرده‌اند و به بعضی از تشکیکات و شبهات پاسخ داده‌اند (عاملی، ۱۴۲۳ ق، ص ۲۱-۲۳۲) و... مقالاتی نیز با عناوین مختلف مانند «آیه تطهیر و عصمت

اهل بیت علیهم‌السلام»، «اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در قرآن و سنت» منتشر شده است (ر.ک به: ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ ش، ۸۶ ص ۹۵، ش ۸۷ ص ۸۷، ش ۱۴-۱۲، ش ۸۹-۸۸ ص ۳۹-۴۱، ش ۹۰ ص ۱۳-۹، ش ۹۱ ص ۱۰-۱۳، ش ۹۲ ص ۲۳-۲۷ / قلی‌پور، ۱۳۸۵ ش، ص ۲۳-۳۳) و حتی برخی با عنوان «مفهومی‌شناسی» و مصداق‌بابی اهل بیت علیهم‌السلام مقاله‌ای در خصوص معنا و مصادیق اهل بیت نوشته‌اند (زینلی، ۱۳۸۴ ش، ص ۱۹۶-۲۱۴)؛ ولی این مقاله در معنا و مصادیق اهل بیت از زاویه دیگر بحث می‌کند و مطالب و نکات جدیدی را در بر دارد؛ بنابراین تحلیل ادبی و لغت‌شناسانه در بیان امکان معنای اصطلاحی داشتن اهل بیت و دو کاربرد لغوی و اصطلاحی داشتن اهل بیت در مورد پیامبر، معنا شدن اهل بیت و اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به شایستگان بیت نبوت و ممکن نبودن شناخت آنان جز با معرفی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، جمع عرفی بین دسته‌های مختلف روایات معرف اهل بیت، بیان دلالت آنها بر حصر اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در سیزده نفر و بیان اینکه اختصاص اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به آن سیزده نفر از باب تخصّص است نه تخصیص، از نکات ویژه این مقاله است.

۱. تحلیل ادبی و لغت‌شناسانه

همان‌گونه که در علم اصول تحقیق شده و مورد اتفاق دانشمندان شیعه و اهل تسنن است، در زبان عربی نیز مانند سایر زبان‌ها دلالت الفاظ بر معانی، ذاتی نیست، بلکه وضعی و قراردادی است؛ یعنی دلالت هر لفظی بر معنایش از قبیل دلالت دود بر وجود آتش نیست؛ بلکه از وضع و علامت قرار دادن لفظ برای معنا نشأت می‌گیرد. وضع (قرار دادن لفظ برای دلالت بر معنا) نیز به دو گونه محقق می‌شود:

۱. **تعیینی:** و آن به این صورت است که شخصی لفظی را برای دلالت بر معنایی خاص تعیین می‌کند؛ نظیر اینکه افراد برای فرزندان خود یا مخترعان برای مصنوع خود و مؤلفان برای تألیف خود نامی تعیین می‌کنند؛

۲. تعینی: و آن به این صورت است که لفظی در اثر کثرت استعمال در معنای برای دلالت بر آن معنا تعین پیدا می‌کند؛ به گونه‌ای که هرگاه آن لفظ بدون هیچ قرینه‌ای ذکر شود، آن معنی از آن فهمیده شود (ر.ک: فخر رازی، ۱۴۱۲ ق، ج ۱، صص ۱۸۱ و ۲۹۵-۳۱۹ / آمدی، ۱۴۰۵ ق، ج ۱، ص ۳۳ / آخوند خراسانی، ۱۴۲۶ ق، ص ۲۱-۲۲ / خوبی، ۱۳۸۲ ق، ج ۱، صص ۳۲، ۴۹، ۱۲۵ و ۱۳۴).

از این رو در زبان عربی هر لفظی ممکن است در لغت یا عرف عام عرب، معنایی داشته باشد و در قرآن کریم و کلام پیامبر ﷺ و متون شریعت در معنای دیگری اصطلاح شده باشد و معنای جدیدی پیدا کرده باشد؛ همان‌گونه که این مطلب در مورد الفاظ صلوة، حج و زکوة تحقق یافته است: صلوة در لغت و عرف عام عرب به معنای دعا است و در اصطلاح شریعت به معنای نماز است. حج در لغت به معنای قصد است و در قرآن کریم و روایات پیامبر اکرم ﷺ و متون شریعت به معنای عبادتی مخصوص در زمانی معین با آداب و شرایطی خاص است؛ همچنین زکوة در لغت به معنای طهارت و نمو است و در اصطلاح مقدار معینی از مال است که اتفاق آن در اسلام واجب یا مستحب است (ر.ک. به: علامة حلی، [بی تا]، ج ۱، ص ۱۹۳ و ج ۲، ص ۶۴۲ / ابن قدامة، [بی تا]، ج ۳، ص ۱۵۹ / سرخسی، ۱۴۰۹ ق، ج ۴، ص ۲ / سبزواری، [بی تا]، صص ۴۱۸، ۴۲۶)؛ بنابراین از نظر ادبی و لغت‌شناسی کاملاً امکان دارد که کلمه «اهل بیت» یا «اهل البیت» در لغت و عرف عام عرب، معنایی داشته باشد و در قرآن کریم و روایات پیامبر ﷺ با وضع تعینی و تعینی در معنای دیگری اصطلاح شده باشد و معنای حقیقی دیگری پیدا کرده باشد.

توضیح آن، این است که واژه «اهل» در لغت به شایسته، سزاوار (صفی پور، [بی تا]، ج ۱، ص ۴۶) و مستوجب (ابن سیده، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۲۵۶) معنی شده و در عرف نیز در

همین معنی ظهور دارد؛ لذا در دعای «اللهم ان لم اکن اهلاً ان ابُلِّغ رحمتک فرحمتک اهل ان تبلُغنی و تسعنی» و حدیث «الهی ما عبدتک خوفاً من نارک و لا طمعاً فی جنتک بل وجدتک اهلاً للعبادة فعبدتک» (طباطبائی یزدی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۶۱۴) از کلمه «اهل» همین معنی به ذهن متبادر می‌شود؛ ولی وقتی به شیء یا شخصی اضافه شود - که غالباً نیز چنین است - به مناسبت مضاف الیه معنای دیگری از آن فهمیده می‌شود؛ چه اینکه کلمه «اهل‌البیت» را جمعی از لغت‌دانان به ساکنان خانه معنی کرده‌اند (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۸۹ / فیروزآبادی، [بی تا]، ج ۳، ص ۴۸۶ / ابن منظور، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۲۵۳ / ابن سیده، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۲۵۶). فیومی پس از معنی کردن «الاهل» به «اهل‌بیت» گفته است: اصل در آن خویشی است (فیومی، ۱۹۲۸، م، ص ۳۳). راغب نیز از کاربرد مجازی «اهل‌بیت» شخص، در مورد کسانی که با او پیوند نسبی دارند، سخن گفته است (راغب، ۱۳۷۶، ش، ص ۲۵)؛ بنابراین می‌توان گفت در لغت «اهل‌بیت» هر شخصی، ساکنان خانه او، یعنی زن و فرزندان اویند و به معنای خویشاوندان او نیز به کار می‌رود. در عرف نیز اهل‌بیت شخص، به معنای خانواده او - که همان زن و فرزندان اوست - می‌باشد و گاهی به معنای خاندان و خویشاوندان او نیز به کار می‌رود.

اما در مورد پیامبر ﷺ، چون بیت آن حضرت، محل نزول وحی و بیت نبوت نیز بوده است، کلمه اهل‌بیت می‌تواند دو کاربرد داشته باشد: گاهی اهل‌بیت پیامبر گفته شود و از بیت، محل سکونت آن حضرت اراده شود و ویژگی محل نزول وحی و خانه نبوت بودن آن لحاظ نشود؛ در این صورت، کلمه اهل‌بیت در مورد آن حضرت نیز به همان معنایی است که در مورد دیگران به کار می‌رود؛ یعنی به معنای خانواده (همسران و فرزندان) آن حضرت یا به معنای مطلق، خویشاوندان آن حضرت است. اینکه بعضی لغت‌دانان اهل‌بیت پیامبر ﷺ را

به همسران و دختران و داماد او، علی علیه السلام معنی کرده‌اند (ابن سبیده، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۲۵۶ / ابن منظور، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۲۵۳)، طبق این کاربرد است؛ و گاهی اهل بیت پیامبر علیهم السلام با لحاظ ویژگی محل نزول وحی و خانه نبوت بودن بیت آن حضرت به کار رود و در این صورت به معنای ساکنان خانه، خانواده یا مطلق خویشاوندان آن حضرت نباشد، بلکه به معنای کسانی باشد که شایسته بیت آن حضرت با وصف اینکه محل نزول وحی و خانه نبوت است، باشند؛ و این، معنای اصطلاحی جدیدی برای کلمه اهل بیت در کاربردهای قرآن کریم و بیانات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله باشد.

با توجه به بیانی که گذشت، چنین معنایی برای کلمه «اهل بیت» از نظر ادبی و لغت‌شناسی ممکن و بلامانع است؛ به خصوص که در زبان عربی واژه‌هایی که دارای معنای لغوی و اصطلاحی شرعی باشند، کم نیست؛ بنابراین در آیات و روایاتی که این کلمه به کار رفته است، باید تأمل و دقت شود که آیا معنای لغوی و عرفی از آن اراده شده است یا معنای اصطلاحی.

۲. روایات معرف اهل بیت علیهم السلام

روایاتی که اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله را معرفی کرده‌اند، بسیار فراوانند و در یک مقاله، مجال ذکر همه آن روایات و حتی مجال ذکر نمونه‌هایی از همه اقسام و دسته‌های آن نیست؛ از این رو به عناوین برخی از مهم‌ترین دسته‌های آن روایات اشاره و به ذکر نمونه‌ای از هر دسته اکتفا می‌شود. روایات هم در کتاب‌های شیعه فراوان است و هم در کتاب‌های اهل تسنن، ولی چون طرف بحث در این مقاله اهل تسنن است، بیشتر روایات را از کتاب‌های اهل تسنن می‌آورم.

۲-۱. معرفی اهل بیت در وقت نزول آیه تطهیر

یک دسته از این روایات، روایاتی هستند که می‌گویند پیامبر ﷺ در وقت نزول آیه: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب: ۳۳) کسانی (پوششی) بر روی علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم‌السلام افکندند و گفتند: خدایا اینها اهل بیت من هستند...؛ برای نمونه ابن کثیر با سند خویش از امام سلمه روایت کرده است که گفت:

جاء رسول الله ﷺ الى بيتي فقال «لا تأذني لاحد» فجاءت فاطمة - رضی الله عنها - فلم استطع ان احجبها عن ابیها ثم جاء الحسن رضی الله عنه فلم استطع ان امنعه ان يدخل علی جدّه و امه و جاء الحسين فلم استطع ان احجبه عن جدّه و امه رضی الله عنهما ثم جاء علی رضی الله عنه فلم استطع ان احجبه فاجتمعوا فجللهم رسول الله ﷺ بكساء كان علیه ثم قال هؤلاء اهل بيتي فأذهب عنهم الرجس و طهرهم تطهیرا. فنزلت هذه الآية حين اجتمعوا علی البساط فقلت يا رسول الله و انا؟ قالت فوالله ما انعم. قال انك الى خير (ابن کثیر، ۱۴۱۵ ق، ج ۳، ص ۴۹۳): رسول خدا به خانه آمد و فرمود: به هیچ کس اجازه نده [وارد خانه شود]. فاطمه رضی الله عنها آمد، نتوانستم او را از [وارد شدن بر] پدرش منع کنم، سپس حسن رضی الله عنه آمد، او را هم نتوانستم از [ورود بر] جد و مادرش منع کنم، حسین آمد، او را هم نتوانستم از [ورود بر] جد و مادرش مانع شوم، سپس علی رضی الله عنه آمد، او را هم نتوانستم منع کنم؛ پس [آنان] اجتماع کردند و رسول خدا صلی الله علیه و آله کسانی را که بر [دوش] وی بود، بر آنان پوشاند و گفت: [خدایا] اینها اهل بیت من هستند؛ پلیدی را از آنان دور گردان و آنان را پاکیزه قرار ده؛ پاکیزه قرار دادنی [کامل]. پس این آیه، در هنگامی که بر آن بساط اجتماع کرده بودند، نازل شد. گفتم ای رسول خدا و من [نیز جزء اهل بیت هستم]؟ به خدا سوگند نفرمود: آری، فرمود: البته تو به سوی خوبی هستی.

در روایتی که سیوطی آن را از چندین نفر از دانشمندان صاحب تألیف اهل تسنن مانند ترمذی، ابن جریر، ابن المنذر، حاکم، ابن مردویه و بیهقی نقل کرده است - و گفته است ترمذی و حاکم آن را صحیح دانسته‌اند - از ام سلمه چنین روایت شده است: فی بیتی نزلت «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ» و فی البیت فاطمة، و علی و الحسن و الحسین. فجللهم رسول الله ﷺ بکساء کان علیه، ثم قال «هؤلاء اهل بیتی فاذهب عنهم الرجس، و طهرهم تطهیراً» (سیوطی، ۱۴۲۱ ق، ج ۵، ص ۳۷۷): در خانه من «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ» نازل شد و فاطمه، علی، حسن و حسین علیهم السلام در خانه بودند، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله آنان را با کسائی که بر رویش بود، پوشاند؛ سپس گفت: [خدایا] اینها اهل بیت من هستند، پس پلیدی را از آنان دورگردان و آنان را پاکیزه قرار ده.

از این دسته از روایات، با توجه به چند نکته، روشن می‌شود که از «اهل البیت» در آیه «تطهیر» معنایی اراده شده است که مصادیق آن در وقت نزول آیه، افزون بر خود آن حضرت، فقط آن چهار نفری بوده است که پیامبر صلی الله علیه و آله بیان فرموده است:

۱. پیامبر صلی الله علیه و آله در مقام بیان مصادیق اهل البیت بوده است و اگر مصادیق دیگری برای اهل البیت در آیه می‌بود، آنها را نیز ذکر می‌فرمود؛ ضمن اینکه دلالت این نکته بر اختصاص، با توجه به برخی روایات که می‌گویند پیامبر صلی الله علیه و آله در وقت نزول آیه، تنها آن چهار نفر را فراخوانده است، روشن‌تر می‌شود.

۲. انداختن کسا و پوشش بر روی آن چهار نفر در وقت گفتن «هؤلاء اهل بیتی» ظاهراً برای این بوده است که مشارالیه هؤلاء به آن چهار نفر محدود شود و وجه دیگری برای آن به نظر نمی‌رسد و این قرینه دیگری است بر اینکه اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله در زمان نزول، تنها و اختصاصاً آن چهار نفر بوده است؛ البته آیه تطهیر

شامل پیامبر ﷺ هم می‌شود؛ ولی این روایات، معرف اهل بیت پیامبر ﷺ و مصادیق آیه، افزون بر خود آن حضرت است.

۳. از اینکه ام سلمه پس از دیدن قضیه از پیامبر ﷺ می‌پرسد آیا من هم از اهل بیت شما هستم؟ معلوم می‌شود ام سلمه هم از سخن پیامبر اختصاص را فهمیده است و چون خود را طبق مفهوم عرفی از اهل البیت می‌دانسته است، چنین سؤالی برایش پیش آمده است؛ و از پاسخ منفی پیامبر ﷺ معلوم می‌شود که اهل البیت در این آیه، به معنای عرفی نیست و شامل همسران آن حضرت نمی‌شود.

۲-۲. جمع کردن افراد در زیر عبا و قرائت آیه تطهیر

دسته دیگری از آن روایات، بر این مطلب دلالت دارند که پیامبر اکرم ﷺ بعد از نزول آیه تطهیر، در موارد بسیاری، علی، فاطمه، حسن و حسین را در کنار خود جمع می‌کرد و عبا یا لباس دیگر خود را بر روی آنان می‌افکند و آیه تطهیر را قرائت می‌کرد؛ برای نمونه مسلم و برخی دیگر از عایشه روایت کرده‌اند که گفت:

خرج النبي ﷺ غداة و عليه مرط مرحل من شعر اسود فجاء الحسن بن علي فادخله ثم جاء الحسين فادخله معه ثم جاءت فاطمة فادخلها ثم جاء علي فادخله ثم قال «أَمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (نیشابوری، ۱۴۰۷ ق، ج ۷، ص ۱۳۰ / بیهقی، [بی تا]، ج ۲، ص ۱۴۹ / ابن راهویه، ۱۴۱۰ ق، ج ۳، ص ۶۷۸ / ابن ابی شیبۀ، ۱۴۰۹ ق، ج ۷، ص ۵۰۱): پیامبر ﷺ در یک بامدادی [از خانه] بیرون آمد، در حالی که جامه‌ای [بافته شده] از کرک سیاه بر روی [شانه‌های] او بود؛ پس حسن بن علی آمد. او را [در زیر آن جامه] وارد کرد؛ سپس حسین آمد، او را [نیز] با وی [در زیر جامه] وارد کرد؛ سپس فاطمه آمد، او را [نیز] وارد کرد و پس از آن علی آمد، او

را [نیز] وارد کرد؛ سپس گفت: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ...».

جالب اینکه سند روایت فوق نیز در نزد اهل تسنن صحیح است (ر.ک. به: ابن راهویه، ۱۴۱۰ ق، ج ۳، پاورقی، ص ۶۷۸ رقم ۷۲۸).

در روایتی از واثله بن اسقع چنین نقل شده است:

یگ زوز در خانه ام سلمه به نزد رسول خدا رفته بودم، حسن آمد. او را بز ران راستت خود نشانند و بوسید، حسین آمد. او را نیز بر ران چپ خود نشانند و بوسید؛ سپس فاطمه آمد. او را در پیش روی خود نشانند؛ سپس علی را دعوت کرد و [او نیز] آمد، سپس کسائی خیبری بر روی آنان افکند و گفت: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (ابن خنبل، [بی تا]، ۱۸۳).

حاکم نیشابوری در حدیثی که آن را طبق شرط مسلم، صحیح دانسته، از واثله چنین روایت کرده است:

«... فدعا رسول الله ﷺ حسناً و حسیناً فاجلس كل واحد منهما على فخذة و ادنى فاطمة من حجره و زوجها ثم لف عليهم ثوبه، و انا شاهد فقال «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» اللهم هؤلاء اهل بيتي (حاکم نیشابوری، [بی تا]، ج ۳، ص ۴۲۶)؛ رسول خدا ﷺ حسن و حسین را فراخواند و هر یک از آنها را بر ران خود نشانند و فاطمه و شوهرش [علی] را [نیز به خود] نزدیک کرد، سپس جامه اش را بر آنان پیچاند و من شاهد [این قضیه] بودم؛ سپس گفت: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» [یعنی این آیه را تلاوت کرد و گفت] خدایا اینها اهل بیت من هستند.

حدیث اول بوده است - طبیعتاً مدت بیشتری را دیده بوده است؛ ضمن آنکه ذکر سلام در برخی و ذکر نشدن آن در برخی دیگر و همچنین ترغیب به نماز در برخی و نبودن آن در برخی دیگر نیز می‌تواند منشأش این باشد که برخی از صحابه یا راویان، همه جزئیات قضیه را بیان و برخی به ذکر اصل کار اکتفا کرده باشند و در نتیجه، بین روایات تعارض و منافاتی نباشد. در هر صورت، اصل این مسئله که پیامبر ﷺ در مورد اهل خانه علی و فاطمه علیها السلام عنوان «اهل البیت» را به کار می‌برده و آیه تطهیر را قرائت می‌کرده است، مورد اتفاق روایات است و ظاهراً این کار را پیامبر ﷺ انجام می‌داده است تا مسلمانان بفهمند از اهل البیت در این آیه، افزون بر خود آن حضرت، اهل خانه فاطمه علیها السلام نیز اراده شده است نه افراد دیگر؛ و تکرار آن در مدت طولانی چه بسا برای این بوده است که این کلمه در این معنا ظهور عرفی پیدا کند و با وضع تعینی، معنای اصطلاحی جدیدی برای این کلمه حاصل شود که مصادیق آن در عصر پیامبر ﷺ خصوص آن افراد باشد.

۲-۴. معرفی اهل بیت و وقت نزول آیه مباهله

دسته دیگر، روایاتی است که خبر می‌دهند: پیامبر ﷺ هنگام نزول آیه مباهله، حضرت علی و حضرت فاطمه و امام حسن و امام حسین علیهم السلام را به نزد خود فراخواندند و آنان را اهل خود معرفی کردند؛ برای نمونه در صحیح مسلم ضمن روایاتی از سعد بن وقاص آمده است: وقتی آیه «فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ...» (ال عمران: ۶۱) نازل شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله علی، فاطمه، حسن و حسین را فراخواند و گفت: «اللهم هؤلاء اهلی»: خدایا اینها اهل من هستند (نیشابوری، ۱۴۰۷ ق، ج ۵، ص ۲۴، باب فضائل الصحابة، ح ۳۲). این قسمت از روایت را حاکم نیشابوری نیز با سندی - که هم خود آن را صحیح دانسته و هم ذهبی، رجال شناس نقاد اهل تسنن صحت آن را

پذیرفته - آورده است (حاکم نیشابوری، [بی تا]، ج ۳، ص ۱۵۰)؛ ضمن اینکه در بسیاری از کتاب‌های دیگر اهل تسنن نیز آمده است (ر.ک به: ترمذی، [بی تا]، ج ۵، ص ۵۹۶ / نووی، [بی تا]، ج ۱، ص ۳۴۷ / نسائی، ۱۴۱۱ ق، ج ۵، ص ۱۰۸ / بیهقی، [بی تا]، ج ۷، ص ۶۳ و...)؛ افزون بر آن، احمد محمد شاکر محقق مسند احمد بن حنبل نیز صحت سند آن را تصریح کرده است (ر.ک به: ابن حنبل، [بی تا]، ج ۳، ص ۹۷).

از نظر دلالت نیز تردید و اختلافی نیست که منظور از اهل پیامبر ﷺ در این روایات، همان اهل البیت آن حضرت است و به قرینه اینکه پیامبر ﷺ در مقام معرفی اهل و اهل بیت خود فقط همین چهار نفر را اهل خود معرفی می‌کند و شخص دیگری را نام نمی‌برد، معلوم می‌شود از کلمه «اهل» معنای لغوی آن را - که شامل زوجه نیز می‌شود - قصد نکرده است؛ بلکه معنایی را قصد کرده که افراد آن، در آن زمان، خصوص آن چهار نفر بوده است.

۲-۵. روایات نزول آیه تطهیر درباره پنج نفر

دسته دیگر، روایاتی است که با صراحت از نزول آیه تطهیر (انما یرید الله...) درباره پنج نفر (پیامبر ﷺ، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام) خبر می‌دهند؛ برای نمونه طبری با سند خویش از رسول خدا ﷺ روایت کرده است که: «نزلت هذه الآية فی خمسة: فی و فی علی و حسن و حسین و فاطمة» (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا) (طبری، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۰، ص ۲۹۶، حدیث ۲۸۴۸۷)؛ این آیه درباره پنج نفر نازل شده است: درباره من، علی، حسن، حسین و فاطمه.

ابن ابی حاتم رازی نیز این روایت را در تفسیر خود آورده است (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ ق، ج ۳، ص ۶۹۴). این روایات دلالت صریح دارند که «اهل البیت» در آیه تطهیر، شامل رسول خدا ﷺ نیز می‌شود و به قرینه این روایات معلوم می‌شود که در روایات

پیشین - که اهل‌البیت آیه به چهار نفر (علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم‌السلام) تفسیر شده است - منظور، بیان مصادیق اهل‌البیت، غیر از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است؛ یعنی مراد بودن آن حضرت معلوم بوده و مصادیق دیگر غیر از آن حضرت بیان شده است و به عبارت فنی، آن روایات در اختصاص آیه به آن چهار نفر ظهور دارد و این دسته از روایات، در شمول آیه نسبت به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نص صریح دارند؛ ضمن اینکه به قرینه این نص، از آن ظهور رفع ید می‌شود؛ در هر صورت از این روایات نیز استفاده می‌شود که علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم‌السلام اهل‌بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هستند.

۲-۶. تفسیر اهل‌بیت به دوازده نفر

دسته دیگر، روایاتی است که اهل‌بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را به دوازده نفر تفسیر کرده است که سه نفر از آن دوازده نفر همان افرادی هستند که در روایات پیشین از مصادیق موجود اهل‌بیت در زمان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به شمار آمده بودند و در نتیجه، در این دسته از روایات نه نفر دیگر از خویشان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که بعد از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به دنیا آمده‌اند نیز از مصادیق اهل‌بیت به شمار آمده و مفاد مجموع این دسته از روایات و دسته‌های پیشین، تفسیر «اهل‌البیت» در آیه تطهیر به پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و سیزده نفر از خویشان آن حضرت است؛ برای نمونه ضمن حدیثی که جُورینی - یکی از دانشمندان اهل تسنن - درباره مذاکره و گفت‌وگوی امیرمؤمنان علی علیه‌السلام با اصحاب در مسجد رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در زمان حکومت عثمان نقل کرده است، چنین آمده است:

... ثم قال علی علیه‌السلام ایها الناس اتعلمون ان الله انزل فی کتابه «أَمْأَ يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمْ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً». فجمعنی و فاطمة و ابنتی الحسن و الحسین ثم القی علینا کساءً و قال «هؤلاء اهل بیتی...». فقالت ام سلمة و انا یا رسول الله؟ فقال: «انت الی خیر،

انما نزلت فی و فی اخی [و فی ابنتی] و فی ابنتی و فی تسعة من ولد ابنی الحسین خاصة لیس معنا فیها لاحد شرک» فقالوا کلهم نشهد ان ام سلمة حدثتنا بذلك فسالنا رسول الله ﷺ فحدثنا كما حدثتنا ام سلمة... (جوینی، ۱۳۶۸ ق، ج ۱، ص ۳۱۲-۳۱۸) علی رضی الله عنه فرمود: ای مردم آیا می دانید [پس از آنکه] خدا در کتابش «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» را نازل فرمود، [پیامبر] من و فاطمه و دو پسر من حسن و حسین را جمع کرد و پوششی بر ما افکند و گفت: خدایا اینها اهل بیت من هستند و... پس [از آن] ام سلمه گفت: و من [نیز از اهل بیت شما] ای رسول خدا؟ فرمود: تو به سوی خوبی هستی (یعنی سرانجام کار تو خیر و خوبی است) [ولی آیه] فقط درباره من و برادرم [و دخترم] و دو پسر من و نه نفر از فرزندان پسر من، حسین به خصوص نازل شده است و هیچ کس با ما در این آیه شرکت ندارد. پس همه آنان [اصحاب حاضر در آن مجلس] گفتند: شهادت می دهیم که ام سلمه این جریان را برای ما نقل کرد. از رسول خدا صلی الله علیه و آله [این جریان را] پرسیدیم [آن حضرت نیز] همان گونه که ام سلمه نقل کرده بود، برای ما بیان فرمود...

نعمانی و صدوق از دانشمندان شیعه نیز این روایت را با اندکی تفاوت لفظی آورده اند (نعمانی، ۱۳۱۸، ص ۳۲-۳۵ / صدوق، [بی تا]، ج ۱، ص ۲۷۴-۲۷۹).

خزاز قمی با سند خویش از حضرت علی رضی الله عنه روایت کرده است: «دخلت علی رسول الله ﷺ فی بیت ام سلمة و قد نزلت هذه الآية «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»، فقال رسول الله ﷺ: يا علی هذه الآية نزلت فیک و فی سبطی و الائمة من ولدک. فقلت: یا رسول الله و کم الائمة بعدک؟ قال:

أنت یا علی، ثم ابناک الحسن و الحسین، و بعد الحسین، علی ابنه، و بعد علی، محمد ابنه، و بعد محمد، جعفر ابنه، و بعد جعفر، موسی ابنه، و بعد موسی، علی ابنه، و بعد علی، محمد ابنه، و بعد محمد، علی ابنه، و بعد علی، الحسن ابنه، و الحجّة من ولد الحسن، هكذا وجدت اسامیهم مكتوبة علی ساق العرش، فسألت اللّٰه تعالی عن ذلك فقال: یا محمد هم الائمة بعدک مطهرون معصومون و أعداؤهم ملعونون» (خزاز، ۱۴۰۱ ق، ص ۱۵۵-۱۵۶ / مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۳۶، ص ۳۳۶): بر رسول خدا ﷺ در خانه ام سلمه وارد شدم، در حالی که این آیه «إِنَّمَا يُرِيدُ اللّٰهُ...» نازل شد. رسول خدا فرمود: ای علی این آیه، درباره تو و دو سبطم و امامان از فرزندان تو نازل شده است. گفتم ای رسول خدا! امامان بعد از تو چند نفرند؟ فرمود: تو یا علی! سپس پسران حسن و حسین و بعد از حسین، علی پسر او و بعد از علی، محمد پسر او و بعد از محمد، جعفر پسر او و بعد از جعفر، موسی پسر او و بعد از موسی، علی پسر او و بعد از علی، محمد پسر او و بعد از محمد، علی پسر او و بعد از علی، حسن پسر او و حجت فرزند حسن است. نام آنان را این چنین، نوشته شده بر ساق عرش یافتیم. از خدای متعال درباره آن پرسیدم، فرمود: ای محمد! ایشان امامان بعد از تو پاک و معصومانند و دشمنان شان ملعونانند. از ملاحظه این دسته از روایات در کنار دسته‌های پیشین به دست می‌آید که: روایات پیشین به مصادیق «اهل‌البیت» در زمان نزول نظر دارد و در دسته اخیر، مصادیقی از اهل‌بیت که در زمان رسول خدا ﷺ نبوده‌اند و بعد از آن حضرت به دنیا آمده‌اند نیز بیان شده است و به تعبیر فنی، روایات پیشین ظهور دارند در اینکه اهل‌بیت پیامبر ﷺ در خصوص چهار نفر است و شامل غیر آنان نمی‌شود و دسته اخیر نص و صریح است در اینکه نه نفر دیگر را نیز شامل می‌شود. به قرینه این نص، معلوم می‌شود که ظهور آن روایات نسبت به این نه نفری که در عصر رسول خدا ﷺ نبوده‌اند و پس از آن حضرت به دنیا آمده‌اند، مراد نبوده است و نسبت به حضرت

فاطمه علیها السلام نیز روایات پیشین نص است که از اهل بیت آن حضرت می باشد و برخی از روایات دسته اخیر که نزول آیه درباره آن حضرت را ذکر نکرده است، حداکثر ظهور دارد در اینکه ایشان از اهل بیت نمی باشد و به قرینه آن نص، معلوم می شود که این ظهور نسبت به ایشان مراد نیست و در این روایات دسته اخیر، نظر به افرادی از اهل بیت بوده است که جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله در رهبری امت بوده اند و منصب امامت داشته اند و در نتیجه، مفاد مجموع روایات این است که منظور از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله در آیه تطهیر و بسیاری از روایات پیامبر صلی الله علیه و آله که ویژگی هایی را برای اهل بیت بیان کرده اند - که همسران و بسیاری از خویشان آن حضرت واجد آن ویژگی ها نیستند - خصوص همین سیزده نفر است.

۳. اثبات معنای اصطلاحی برای اهل بیت

پس از آنکه با توجه به روایات فراوانی که در کتاب های شیعه و سنی به صورت های مختلف آمده است، معلوم شد مراد از «اهل البیت» در آیه تطهیر، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و چهار نفر از خویشان نزدیک آن حضرت - که در وقت نزول آیه حاضر بوده اند و نه نفر از خویشان آن حضرت که پس از نزول آیه به دنیا آمده اند - می باشد و مفاد مجموع روایات این است که: منظور از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله، در برخی آیات و بسیاری از روایات، سیزده نفر از خویشان آن حضرت است، این سؤال مطرح می شود که: وجه اختصاص اهل بیت به این سیزده نفر چیست؟ آیا اختصاص اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله به این سیزده نفر از باب تخصیص است یا تخصص؟ و به تعبیر روشن تر، آیا اهل البیت در آیه کریمه و روایات یاد شده به معنای لغوی و عرفی آن است؟ چه اینکه در این صورت، اگر روایات معرف اهل بیت و مخصص آن به سیزده نفر نمی بود، مطلق خویشان پیامبر صلی الله علیه و آله را شامل می شد، در

خالی که این روایات آن را به سیزده نفر از خویشان آن حضرت تخصیص داده است؛ و یا اهل‌بیت در این موارد به معنای اصطلاحی (شایستگان بیت نبوت) است که مصادیق آن، خصوص افرادی است که از جهت علمی و عملی، شایستهٔ بیت نبوت باشند و آنان را جز از طریق معرفی پیامبر ﷺ نمی‌توان شناخت؟ در این صورت طبق معرفی پیامبر ﷺ در این روایات، آنان خصوص همین سیزده نفر هستند و اهل‌بیت به این معنا، فرد دیگری از همسران و سایر خویشان آن حضرت را شامل نمی‌شود تا به تخصیص نیاز باشد و در نتیجه، اختصاص اهل‌بیت به این سیزده نفر از باب تخصص است.

با توجه به نکات زیر، روشن می‌شود اهل‌بیت در این آیه و روایات به معنای اصطلاحی است و اختصاص آن به سیزده نفر، از باب تخصص است نه تخصیص:

۱. مصادیق اهل‌بیت به معنای لغوی و عرفی (ساکنان خانه، همسران، فرزندان و مطلق خویشان) برای همگان آشکار است و به معرفی نیاز ندارد؛ ولی مصادیق اهل‌بیت به معنای اصطلاحی (شایستگان بیت نبوت) را جز از طریق معرفی پیامبر ﷺ نمی‌توان شناخت؛ زیرا تنها اوست که می‌داند چه کسانی از نظر علمی و عملی شایستهٔ بیت نبوت‌اند. با توجه به این نکته، از اینکه پیامبر ﷺ در روایات یاد شده، به معرفی اهل‌بیت خود و مصادیق اهل‌بیت به کار رفته در آیه اقدام نموده است و آن را فراوان تکرار کرده است؛ معلوم می‌شود: اهل‌بیت در این آیه و روایات به معنای اصطلاحی است؛ زیرا اگر به معنای لغوی و عرفی بود، به معرفی آن حضرت نیازی نبود و معرفی آن حضرت، آن هم در موارد بسیار، کاری بیهوده و دور از حکمت آن بزرگوار بود.

۲. در بسیاری از روایات معرف اهل بیت - که بخشی از آنها در این مقاله آورده شده - دیده می‌شود: در موازیدی که پیامبر ﷺ اهل بیت خود را معرفی کرده است، برخی از همسران آن حضرت نیز حاضر بوده‌اند و از آن حضرت می‌پرسیده‌اند آیا من از اهل بیت شما نیستم؟ حضرت با تعبیری گوناگون پاسخ منفی می‌داده و اهل بیت بودن آنان را نفی می‌کرده‌اند (برای نمونه رک به: ابن کثیر، ۱۴۱۵ ق، ج ۳، ص ۴۹۲-۴۹۳ / جوینی، ۱۳۹۸ ق، ج ۱، ص ۳۱۸-۳۱۲ / حاکم حسکانی، ۱۴۱۱ ق، ج ۲، ص ۶۱-۱۱۹ و ۱۳۳ / حاکم نیشابوری، [بی تا]، ج ۲، ص ۴۱۶ / سیوطی، ۱۴۲۱ ق، ج ۵، ص ۳۷۶-۳۷۷ / طبری، ۱۴۲۰ ق، ج ۱۰، ص ۲۹۸-۲۹۷، ح ۲۸۴۹۵، ۲۸۴۹۷، ۲۸۴۹۸، ۲۸۵۰۲ / ابن عساکر، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۳، ص ۲۰۳ و ۲۰۶ و ج ۱۴، ص ۱۴۱ و ۱۴۵). از این قسمت، روایات نیز به خوبی فهمیده می‌شود: اهل بیت در آیه و روایات یاد شده، به معنای اصطلاحی است؛ زیرا اگر به معنای اصطلاحی نمی‌بود، حضرت همسران خود را نیز از اهل بیت خویش به شمار می‌آورد و جایی برای پرسش همسران حاضر باقی نمی‌ماند؛ و نفی اهل بیت بودن آنان در این بخش از روایات، صحیح نمی‌بود.

گفته نشود شاید در آیه و روایات یاد شده نیز اهل بیت به معنای لغوی و عرفی باشد و حضرت با بیانات خود خواسته باشند آن را به خصوص این سیزده نفر اختصاص دهند و همسران و سایر خویشان خود را از آن خارج کنند؛ زیرا این فرض مستلزم تخصیص اکثری است که مستهجن (ناپسند) است و با فصاحت رسول خدا ﷺ سازگار نمی‌باشد؛ بنابراین با توجه به آیه و روایات یاد شده، معلوم می‌شود: کلمه «اهل البیت» و «اهل بیت پیامبر» نیز مانند الفاظ «صلوة»، «زکوة» و «حج» علاوه بر معنای لغوی و عرفی، معنای اصطلاحی نبوی نیز دارند؛ چه اینکه در برخی آیات و بسیاری از روایات نبوی اکرم ﷺ به معنای اصطلاحی است.

نتیجه

از آنچه در این مقاله در تحلیل ادبی و لغت‌شناسانه برخی کلمات و واژه‌های اهل‌بیت در زبان عربی و دسته‌های مختلف روایات معرف اهل‌بیت پیامبر ﷺ بیان شد، نتیجه می‌گیریم: کلمه «اهل‌البیت» یا «اهل‌بیت‌النبی» و مشابه آن در زبان عربی نظیر کلمه «صلاة»، «زکوة» و «حج»، افزون بر معنای لغوی و عرفی، معنای اصطلاحی شرعی نیز دارد. معنای اصطلاحی آن شایستگان بیت نبوت و مصادیق آن خصوص افرادی است که از جهت کمال علمی و عملی نزدیک‌ترین افراد به رسول خدا ﷺ باشند، از جهت علمی به همه‌ی علومی که از جانب خدا به آن حضرت وحی شده، آگاه باشند و از جهت عملی مانند آن حضرت از هر گناه و خطایی مصون باشند؛ و چنین افرادی را جز از طریق معرفی پیامبر ﷺ نمی‌توان شناخت؛ چه اینکه در روایات فراوان با عبارات و مضامین مختلف، اهل‌بیت آن حضرت چهار نفر معرفی شده‌اند و در پاره‌ای از روایات نه نفر دیگر به آنان افزوده شده و در مجموع، اهل‌بیت پیامبر ﷺ طبق معرفی روایات آن حضرت، سیزده نفر می‌باشند و دیدگاه اهل‌تسنن در تعمیم اهل‌بیت به همسران و همه‌ی خویشان پیامبر ﷺ با روایات فراوانی که در کتاب‌های خودشان نقل کرده‌اند، مخالف است.

منابع

١. آخوند خراساني، محمّد كاظم؛ كفاية الاصول؛ قم: مؤسسة آل البيت لاحياء التراث، ١٤٢٦ ق.
٢. أمدي، على بن ابن علي؛ الاحكام في اصول الاحكام؛ بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤٠٥ ق.
٣. ابن ابى حاتم، عبدالرحمان بن محمّد؛ تفسير القرآن العظيم؛ مكة المكرمة: مكتبة نزار المصطفى الباز، ١٤١٩ ق.
٤. ابن ابى شيبة، عبدالله بن محمّد؛ المصنف؛ بيروت: دارالفكر، ١٤٠٩ ق.
٥. ابن تيميّة، احمد بن عبدالحليم؛ منهاج السنّة النبويّة؛ [بى جا]، [بى نا]، ١٤٠٦ ق.
٦. ابن حنبل، إحمّد بن محمّد؛ المسند للإمام احمد بن محمّد بن حنبل؛ با تحقيق احمد محمّد شاكر؛ بيروت: مكتبة التراث الاسلامية، [بى تا].
٧. _____؛ مسند الامام احمد بن حنبل؛ بيروت: دارصادر، [بى تا].
٨. ابن راهويه، اسحاق بن ابراهيم؛ مسند اسحاق بن راهويه؛ المدينة المنورة: مكتبة الايمان، ١٤١٠ ق.
٩. ابن سيده، على بن اسماعيل؛ المحكم والمحيط الاعظم فى اللغة؛ [بى جا]، [بى نا]، ١٣٧٧ ق.
١٠. ابن عساکر، على بن حسن؛ تاريخ مدينة دمشق؛ بيروت: دارالفكر، ١٤١٧ ق.
١١. ابن قدامة، عبدالله بن احمد؛ المغنى؛ بيروت: عالم الكتب، [بى تا].
١٢. ابن كثير، اسماعيل؛ تفسير القرآن العظيم؛ بيروت: دارالمعرفة، ١٤١٥ ق.
١٣. ابن منظور، محمّد بن مكرم؛ لسان العرب؛ بيروت: داراحياء التراث العربى، ١٤٠٨ ق.
١٤. بحراني، سيّد هاشم؛ غاية المرام و حجة الخطام؛ بيروت: مؤسسة التاريخ العربى، ١٤٢٢ ق.
١٥. بلاذرى، احمد بن يحيى؛ كتاب جمل من انساب الاشراف؛ بيروت: دارالفكر، ١٤١٧ ق.
١٦. بيومى مهران، محمّد؛ الامامة و اهل البيت؛ بيروت: دارالنهضة العربيّة، ١٩٩٥ م.
١٧. بيهقى، احمد بن الحسين؛ السنن الكبرى؛ بيروت: دارالمعرفة، [بى تا].
١٨. ترمذى، محمّد بن عيسى؛ سنن الترمذى؛ [بى جا]، دارالفكر، [بى تا].
١٩. جرجانى، على بن محمّد؛ شرح المواقب؛ قم: منشورات الشريف الرضى، ١٣٢٥ ق.
٢٠. جوينى، ابراهيم بن محمّد؛ فرائد السمطين؛ بيروت: مؤسسة المحمودى، ١٣٩٨ ق.
٢١. حاكم حسانى، عبيدالله بن عبدالله؛ شواهد التنزيل؛ تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، ١٤١١ ق.

٢٢. حاکم نیشابوری، ابو عبدالله: *المستدرک علی الصحیحین*؛ بیروت: دارالمعرفة، [بی تا].
٢٣. خزاز قمی، علی بن محمد: *کفاية الاثر*؛ قم: بیدار، ١٤٠١ ق.
٢٤. خوئی، سید ابوالقاسم: *محاضرات فی الاصول*؛ النجف الاشرف: مطبعة النجف، ١٣٨٢ ق.
٢٥. راغب، حسین بن محمد: *معجم مفردات الفاظ القرآن*؛ تهران: مرتضوی، ١٣٧٦ ش.
٢٦. ربانی گلپایگانی، علی: «آیه تطهیر و عصمت اهل بیت علیهم السلام»؛ *اسوه*؛ ش ٩١-٨٦، بهمن و اسفند ١٣٨٣، فروردین، اردیبهشت، خرداد، تیر و مرداد ١٣٨٤.
٢٧. ری شهری، محمد: *اهل البيت فی الكتاب و السنة*؛ قم: دارالحديث، ١٣٧٩ ش.
٢٨. زینلی، غلامحسین: «مفهوم‌شناسی و مصداق‌یابی اهل بیت علیهم السلام»؛ *مقات حج*، ش ٥١، بهار ١٣٨٤.
٢٩. سیزواری، محمد باقر: *ذخيرة المعاد*؛ [بی جا]، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، [بی تا].
٣٠. سرخسی، شمس‌الدین: *المبسوط*؛ بیروت: دارالمعرفة، ١٤٠٩ ق.
٣١. سیوطی، عبدالرحمان: *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*؛ بیروت: دارالکتب العلمیة، ١٤٢١.
٣٢. صائب، عبدالحمید: *ابن تیمیة حیاته عقائده*؛ قم: مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیة، ١٤١٧ ق.
٣٣. صدوق، محمد بن علی: *کمال‌الدین*؛ قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين، [بی تا].
٣٤. صفار، محمد بن الحسن: *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام*؛ قم: منشورات مکتبة آية الله المرعشي، ١٤٠٤ ق.
٣٥. صفی‌پور، عبدالکریم: *منتهی الارب*؛ [بی جا]، انتشارات کتابخانه سنائی، [بی تا].
٣٦. طباطبائی یزدی، محمد کاظم: *العروة الوثقی*؛ بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ١٤٠٩ ق.
٣٧. طبرانی، سلیمان بن احمد: *المعجم الكبير*؛ [بی جا]، [بی نا]، [بی تا].
٣٨. طبرسی، فضل بن حسن: *مجمع البیان*؛ بیروت: دارالمعرفة، ١٤٠٦ ق.
٣٩. طبرسی نوری، سیداسماعیل: *کفاية الموحدين*؛ [بی جا]، انتشارات علمیه اسلامیة، [بی تا].
٤٠. طبری، محمد بن جریر: *تفسیر الطبری المسمى جامع فی تأویل القرآن*؛ بیروت: دارالکتب العلمیة، ١٤٢٠ ق.
٤١. طلیالسی، ابوداود سلیمان بن داود: *مسند ابی داود الطیالسی*؛ هند: مطبعة مجلس دائرة المعارف النظامة، ١٣٣١ ق.

۴۲. عاملى، سيد جعفر مرتضى؛ اهل البيت فى آية التطهير؛ بيروت: المركز الاسلامى للدراسات، ۱۴۲۳ ق.
۴۳. عبد بن حميد؛ المنتخب من مسند عبد بن حميد؛ بيروت: عالم الكتب، ۱۴۰۸ ق.
۴۴. علامة حلى، حسن بن يوسف؛ منتهى المطلب؛ چاپ قديم، [بى جا]، [بى نا]، [بى تا].
۴۵. فخر رازى، محمد بن عمر؛ الحصول فى علم اصول الفقه؛ بيروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۲ ق.
۴۶. فراهيدى، خليل بن احمد؛ كتاب العين؛ [بى جا]، مؤسسة دار الجهرة، ۱۴۰۹ ق.
۴۷. فيروزآبادى، محمد بن يعقوب؛ القاموس المحيط؛ بيروت: دارالمعرفة، [بى تا].
۴۸. فيومى، احمد بن محمد؛ المصباح المنير؛ قاهره: المطبعة الاميرية، ۱۹۲۸ م.
۴۹. قلى پور، حسن؛ «اهل بيت پيامبر ﷺ در قرآن و سنت»؛ معرفت، ش ۱۰۸، أذر ۱۳۸۵.
۵۰. مجلسى، محمدباقر؛ بحار الانوار؛ بيروت: داراحياء التراث العربى، ۱۴۰۳ ق.
۵۱. ميبدى، ابوالفضل رشيدالدين؛ كشف الاسرار و عدة الابرار؛ تهران: اميركبير، ۱۳۲۱ ش.
۵۲. نسائى، احمد بن شعيب؛ كتاب السنن الكبرى؛ بيروت: دارالكتب العلميه، ۱۴۱۱ ق.
۵۳. نعمانى، محمد بن ابراهيم؛ كتاب الغيبة؛ تهران: دارالخلافة، ۱۳۱۸ ق.
۵۴. نووى، محيى الدين بن شرف؛ تهذيب الاسماء اللغات؛ بيروت: دارالكتب العلميه، [بى تا].
۵۵. نيشابورى، مسلم؛ صحيح مسلم؛ بيروت: مؤسسة عزالدين، ۱۴۰۷ ق.
۵۶. واسطى، احمد؛ اهل البيت ﷺ فى الكتاب المقدس؛ [بى جا]، مؤلف، ۱۹۹۷ م.
۵۷. هيثمى، احمد بن حجر؛ الصواعق المحرقة؛ القاهرة: مكتبة القاهرة، ۱۳۸۵ ق.